



مهریه باید مالیت

داشته باشد و قابل

انتقال باشد، یعنی

ارزش مالی داشته و

بتوان به افراد آن را

انتقال داد. مهریه‌هایی

که این قابلیت را

نداشته باشند یا

نامتعارف باشند

قابل ثبت در عقدنامه

نیستند



نظر کارشناس

شرایط تعیین مهریه

برخی مهریه‌ها گاهی جنجال به پا کرده و در جامعه خبرساز می‌شوند. برای تعیین مهریه باید شرایطی را در نظر گرفت تا قابل ثبت و مطالبه باشد. در حال حاضر دفاتر ازدواج مهریه‌های نامتعارف را ثبت نمی‌کنند و دیگر شاهد ثبت مهریه‌هایی مانند دست و پا و چشم نیستیم. مهریه عبارت است از مال معینی که دارای ارزش مالی بوده و ضمن عقد نکاح از سوی زوج (مرد) به زوجه (زن) تملیک و داده می‌شود و گاهی ممکن است به جای مال، انجام کاری به نفع زن باشد مانند تعهد مرد به آموزش قرآن به زن.

یکی از شروط اصلی مهریه، مالیت آن است. آنچه به عنوان مهریه تعیین می‌شود باید امکان خرید و فروش داشته باشد. برای مثال هوا مالیت ندارد و قابل خرید و فروش نیست. شرط بعدی، قابل تملک بودن است. برای مثال اماکن ملی و عمومی یا ملکی که متعلق به دیگری است قابلیت تملک ندارد. مهریه همچنین باید معین باشد. یعنی مشخص باشد و نمی‌توان صندوقچه پر از طلا در عمق اقیانوس را به عنوان مهریه تعیین کند. برای تعیین مهریه سقفی وجود ندارد و طرفین می‌توانند از یک ریال تا هر میزان سکه یا وجه مالی یا منفعتی را به عنوان مهریه و به نفع زن در سند ازدواج درج کنند. اگر افرادی مهریه خود را موارد عجیب و غریب و خارج از عرف قرار دهند، در واقع مثل این است که برای مهریه خود چیزی را ذکر نکردند، چون طبق مواد قانون مدنی، اگر مهریه مال و مالیت نداشته باشد، آن مهر باطل است و چیز باطل مثل آن است که اصلاً آن چیز وجود ندارد.

پس فرقی بین کسی که مهر خود را چیزهایی مانند بال مگس، قلب مادر شوهر و... قرار می‌دهد با کسی که در زمان عقد ازدواج برای خود سهواً یا عمداً مهری قرار نمی‌دهد، وجود ندارد.

مهریه در فقه و حقوق اسلامی سه نوع مهم دارد. نخست، مهر المسمی که مهری است که زن و شوهر قبل از انعقاد عقد نسبت به مقدار و میزان آن توافق کرده و آن را در عقد ذکر می‌کنند. تعیین میزان مهر مطابق ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی منوط به تراضی طرفین است و محدودیتی در این خصوص در قانون پیش بینی نشده است.

دوم، مهرالمثل. اگر در زمان انعقاد عقد درباره مهریه توافق نشده یا این که مهریه نوعی تعیین شده که مطابق قانون نبوده، ولی عمل زناشویی بین زوجین رخ داده است، در این حالت براساس عرف و عادت محل و وضع خاص زوجه مانند تحصیلات، سن، شغل و امثال آن مهریه ای هم شأن زنان مشابه وی تعیین می‌شود که به این نوع مهریه مهرالمثل می‌گویند.

و در آخر، مهرالمتعه. در نکاحی که دائم بوده و مهریه ذکر نشده یا شرط عدم مهر شده باشد، زوج به زوجه مطلقه خود که با او نزدیکی نکرده است، مهریه ای پرداخت می‌کند و به این مهریه اصطلاحاً مهرالمتعه گفته می‌شود.

مرجان‌های دریایی را می‌خواهم

برای سفر تفریحی به شمال رفته بود که مرد آرزوهایش را دید و عاشق او شد. بعد از بازگشت از سفر قرار ازدواج گذاشتند و خیلی زود سر خانه و زندگی‌شان رفتند. هنوز شش ماه نگذشته بود که به اختلاف خوردند. هر روز جنگ اعصاب و دعوا.

سرانجام هم راهی به‌غیر دادگاه خانواده و طلاق برای پایان دادن به این قهر و دعوای پیدا نکردند. نیلوفر در جلسه دادگاه به قاضی گفت: فکر می‌کردم مرد رویاهایم را پیدا کردم، چون او را در سفر شمال دیدم و زندگی با او را رویایی می‌دیدم ۵۰۰۰ مرجان دریایی را به عنوان مهریه تعیین کردیم. بعد ازدواج رفتار سعید عوض شد و او دیگر مرا دوست نداشت. تندخو شده بود. هر کاری کردم رفتارش عوض نشد و مجبورم کرد از او جدا شوم. حالا هم مهریه‌ام را می‌خواهم و او باید ۵۰۰۰ مرجان دریایی را بدهد. از مهریه‌ام نمی‌گذرم و باید آن را بدهد. این مهریه به‌خاطر مالیت نداشتن قابلیت دریافت نداشت.

۱۲۰۰ نان بربری

مهریه زن میانسال

زن جوان به دادگاه خانواده تهران آمد و در شکایتی از همسر بی‌مسئولیت خود تقاضای پرداخت مهریه‌اش را کرد. این زن به قاضی پرونده گفت: شوهرم بی‌مسئولیت است و هیچ مسئولیتی را در زندگی قبول نمی‌کند. چهار سال است که ازدواج کرده‌ایم اما این مرد با کارهایش لج من را درآورده. فقط مهریه‌ام را می‌خواهم و قصد جدایی ندارم. قاضی وقتی از زن پرسید مهریه‌اش چیست با پاسخی عجیب روبه‌رو شد و زن جوان ادعا کرد مهریه‌اش ۱۲۰۰ نان بربری است. قاضی با احضار همسر این زن از او خواست که مهریه را بپردازد که مرد ۲۹ ساله گفت: من همسرم را طلاق نمی‌دهم و مهریه او را هم پرداخت نمی‌کنم. او لجباز است و با این کارها می‌خواهد لج من را در بیاورد. قاضی پس از شنیدن حرف‌های مرد او را ملزم کرد که مهریه همسرش را بپردازد. مرد جوان هم یکجا ۱۲۰۰ نان بربری برای همسرش خرید و مهریه او را پرداخت.

حفظ دیوان حافظ

«هر دوی ما عاشق شعر و ادبیات بودیم. در جلسه‌های شعرخوانی با هم آشنا شدیم و کم‌کم علاقه بین ما به وجود آمد. قرار ازدواج گذاشتیم و چون مادیات برایم مهم نبود، مهریه‌ام را حفظ دیوان حافظ قرار دادم. خیلی زیبا بود و یک کار فرهنگی هم محسوب می‌شد. شوهرم در ابتدای زندگی خیلی خوب بود اما کم‌کم سرد شد و اجازه نمی‌داد به جلسات شعر و جمع‌های دوستانه بروم. او مرا در خانه حبس می‌کرد. برای همین درخواست طلاق دارم.»

اینها صحبت‌های شیدا ۲۸ ساله در جلسه دادگاه بود که تصور می‌کرد با مرد رویاهایش ازدواج کرده. حالا برای جدایی از او به دادگاه خانواده آمده بود. وقتی قاضی صحبت‌های او و همسرش را شنید آنها را به مشاور معرفی کرد اما نظر مشاور هم این بود که آنها نمی‌توانند با هم زندگی کنند. به همین خاطر حکم طلاق صادر شد. اما به‌خاطر این که مهریه شیدا مالیات نداشت قرار شد خودش مهریه‌ای را تعیین کند که قابل پرداخت باشد.

۱۹۷۸ توپ ورزشی

مهریه تنیسور زن



لاق وقتی روبه‌روی قاضی نشست خودش را ورزشکار رشته تنیس معرفی کرد و گفت: تنیس را حرفه‌ای بازی و شناخته شده بودم. با همسرم در باشگاه آشنا شدم و دیدم. برای این که نشان دهم مادیات برایم مهم نیست پ تنیس را به عنوان مهریه تعیین کردم. اوایل از زندگی دم، تا این که از ورزش حرفه‌ای خداحافظی کردم و بیشتر می‌رسیدم. آن موقع تازه فهمیدم که من و همسر به درد شترک نمی‌خوریم و بعد از هفت سال تقاضای طلاق دارم. زن که ابتدا اراضی به طلاق دادن نبود، وقتی او مهریه‌اش حاضر به جدایی شد و همسرش را طلاق داد.

